

• دریافت ۸۹/۹/۲۰

• تأیید ۸۹/۱۲/۱۴

جستاری در نسخه خطی منتشر نشده

« تحفة المرشدين من حكايات صالحين »

مهدی تدین*

مریم پرهیزکاری**

چکیده

مقاله حاضر، جستاری است در نسخه خطی «تحفة المرشدين من حكايات الصالحين» که در واقع ترجمه متن عرفانی «روض الريحان من حكايات الصالحين» است که یکی از متون بسیار مهم قرن هشتم هجری قمری بوده و همچنین از منابع مهم جامی در تألیف «نفحات الانس» می‌باشد. از این ترجمه دو نسخه خطی یکی در پنجاب متعلق به سال ۸۱۸ هـ ق و دیگری در ایاصوفیا متعلق به سال ۸۳۸ هـ ق یافت شده است. یکی از مهمترین انگیزه‌های مترجم در ترجمه این اثر گرانقدر، این بوده که از قرن هشتم هجری قمری به بعد در بقعه مرشدیه کازرون پیروان این طریقه مشهور علاقه‌مند شدند تا حکایات، احوال و کرامات مشایخ خود را از زبان عربی به زبان فارسی بنویسند و بخوانند. جلال‌الدین محمد عبادی کازرونی در پایان این ترجمه، ذیلی به قلم خود با استفاده از دو منبع عربی «تذکره مشایخ» تألیف ابوشجاع مقاریضی شیرازی (م: ۵۰۹ هـ ق) و «سیرت مرشدیه» تألیف ابی‌بکر ابوالقاسم عبدالکریم (م: ۵۰۲ هـ ق) در احوال و حکایات و دعاها وصایای عارف مشهور قرن چهارم هجری قمری ابواسحاق کازرونی افزوده است که سومین مأخذ مستقل درباره زندگی ابواسحاق همین ذیل است.

کلید واژه‌ها:

جلال‌الدین محمد عبادی کازرونی، تحفة المرشدين من حكايات الصالحين، عبدالله یافعی، روض الريحان من حكايات الصالحين.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
** دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

مقدمه

تصوف بر غنای ادبیات فارسی تاثیر شگرفی داشته است. میراث عظیم نظم و نثر صوفیه، در طی قرون متمادی ادبیات ایران بعد از اسلام مؤید این تاثیرگذاری است و لطافت فراوانی به ادبیات بخشیده و موجب افزونی تألیفات در گستره ادبیات فارسی گردیده است. صوفیان، نخستین کسانی بودند که نثر ساده و مرسل عصر سامانی را رها کردند و نثر مسجع و آهنگین را بنیان نهادند. (محمد بن منور ۱۳۴۸: ۲۹۸)

نثر صوفیه ویژگیهای متعددی دارد؛ یکی از این ویژگیها استفاده از زبان سمبولیک و نمادین است. صوفیان در نثر و نظم، زبانی رمزی و نمادین ایجاد کردند، اصطلاحاتی که از رمز معنی آنها تنها ابدال آگاه بودند و غافلان از فهم آن بی‌خبر. (محمد دبیر سیاقی ۱۳۴۵: ۳۶۰)

هرچند که کاربرد رمز، اشاره، کنایه و استعاره اختصاص به صوفیه ندارد ولی زبان عرفان - علی‌الرسم - رمزی و کنایی است؛ همچنین انتخاب الفاظ در نثر صوفیانه شایان توجه است. (شفیعی کدکنی ۱۳۵۸: ۴۲۸)

در کتب صوفیه معمولاً اکثر مباحث با آیه‌ای از قرآن و بعد از آن با حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آغاز می‌شود مثلاً در کشف المحجوب: بیان اثبات العلم، قوله تعالی «انما یخشی الله من عباده العلماء» و پیامبر (ص) فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (علی بن عثمان جلابی هجویری ۱۳۳۶: ۱۱) و همچنین در رساله قشیری: در «توبه» قال الله تعالی «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و پیامبر (ص) فرمودند: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ» (ابوالقاسم قشیری ۱۳۸۷ هـ. ق: ۱۹۷) و در مرصاد العباد همه فصول با آیه و حدیث نبوی آغاز می‌شود.

در نثر صوفیانه، حکایات عرفانی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است این نثر به کمک حکایات به بیان حکمت و فلسفه، تفسیر و تأویل قرآن و حدیث، بیان سرگذشت مشایخ، بیان رؤیاهای و مکاشفات و سخنان وجدآور می‌پردازد. در این کتاب نیز حکایات زیبایی از مشایخ بزرگ نقل می‌شود که از جمله آنها ذوالنون مصری، مالک بن دنیار و سرّی سقطی است.

در این مقاله از دو نسخه خطی، یکی نسخه پنجاب متعلق به سال ۸۱۸ هـ ق و دیگری نسخه ایاصوفیا متعلق به سال ۸۳۸ هـ ق که تحت اختیار نگارندگان می‌باشد استفاده گردیده است. نسخه پنجاب به‌عنوان «نسخه اساس» و نسخه ایاصوفیا به‌عنوان «نسخه بدل» در نظر گرفته شده است.

این نسخه خطی که با ستایش خداوند و نعت پیامبر آغاز می‌شود، با نثری زیبا، توأم با آیات و احادیث و اشعار عربی و فارسی به رشته تحریر درآمده است و به دنبال آن مترجم که از طایفه درویشان مرشدی و بقعه علیّه مرشدیه می‌باشد از ارتباطش با بقعه مرشدیه و در نهایت از انتخاب سیصد حکایت از پانصد حکایت که با واسطه «شیخ زرنندی» از «عبدالله یافعی» شنیده سخن می‌گوید. مترجم سپس به ترجمه اثر یافعی پرداخته که خود شامل دو بخش است. در بخش اول به لزوم خواندن و اطلاع از حکایات عرفانی از زبان مشایخ می‌پردازد و سپس بعضی از فضایل اولیا و صلحا و فقرا و مساکین که در قرآن و احادیث آمده بیان می‌دارد. بخش دوم کتاب، ترجمه سیصد حکایت از زبان مشایخ نامی است. در آخر نسخه نیز توسط عبادی با استفاده از دو منبع عربی «تذکره مشایخ» تألیف ابوشجاع مقارضی (متوفی ۵۰۹ هـ.ق) و «سیرت مرشدیه» تألیف ابی بکر ابوالقاسم عبدالکریم (متوفی ۵۰۲ هـ.ق) ذیلی بر کتاب اضافه شده است که این دیگر ترجمه نیست؛ بلکه به طور خاص به ذکر چند حکایت از کرامات شیخ المرشد «ابی اسحاق کازرونی» و وصایا و دعاها و اعتقادات او پرداخته شده است. نسخه مذکور از نظر ویژگیهای سبکی، دستوری و رسم الخطی نیز حائز اهمیت است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

درباره یافعی و اثرش «روض الریاحین من حکایات الصالحین»

کتاب «تحفة المرشدين من حکایات الصالحین» ترجمه‌ای است به فارسی، که جلال [الدین] محمد بن عبادی کازرونی از متن عربی «روض الریاحین» تألیف «شیخ عقیف الدین عبدالله یافعی» بدست می‌دهد. کتاب نفحات الانس، عبدالله یافعی را اینگونه معرفی می‌کند: «از کبار مشایخ وقت خود بوده است، عالم بوده به علوم ظاهری و باطنی و وی را تصنیفاتی است. از آن جمله است: تاریخ مرآة الجنان و عبرة اليقظان فی معرفة الحوادث الزمان و کتاب روض الریاحین فی حکایات الصالحین و کتاب الدرّ النظیم فی فضائل القرآن العظیم و ورای آن تصنیفات دارد و اشعار نیکو نیز گفته است. (جامی ۱۳۷۰: ۵۸۳) جامی در ادامه حکایاتی چند در ذکر فضایل عبدالله یافعی آورده است. (همان: ۵۸-۵۸۴)

دهخدا نام او را «عبدالله بن اسعد التمیمی الیافعی المکی» ذکر می‌کند، که ملقب به «عقیف الدین» و مکتبی به «ابوالسعادات» و موصّف به «نزیل الحرمین» است. (لغت نامه دهخدا) مؤلف

«معارف و معاریف» درباره او اضافه کرده است که «تاریخ نگار و دانشمند و متصوِّف از شافعیان یمن، نسبش به قبیله یافع است از حمیر، زادگاه و محل نشو و نمایش عدن بوده متولّد به سال ۶۹۸ هـ.ق و متوفی به سال ۷۶۸ هـ.ق در سال ۷۱۲ هـ.ق به حجّ خانه (خدا) شرفیاب گشت و سپس به یمن بازگشت و در سال ۷۱۸ هـ.ق باز به مکه رفت و در آنجا مقیم گردید و تا آخر عمر در آن بلدة مقدّسه بود» در بر شمردن آثار یافعی کتاب «نشر المحاسن الغالیه فی فضل مشایخ الصوفیه» افزوده و نام کامل کتاب «روض الریاحین» را به صورت «روض الریاحین فی مناقب الصالحین» ثبت می‌کند. (سید مصطفی حسینی دشتی ۱۳۸۵: ۱۰۷۰)

مؤلف «روضات الجنات» علاوه بر آنچه به نقل از جامی بیان می‌کند به نقل از «اسنوی اصولی» گوید: «هنگامی یافعی از دنیا رحلت کرد و به اصطلاح خرّقه گذارد که از مقام قطیبت کاملاً برخوردار بود.» (خوانساری اصفهانی ۱۳۶۰: ۴۴)

آنچه به صراحت نشان می‌دهد که «تحفة المرشدين من حكايات الصالحين» اثر عبادی کازرونی، ترجمه «روض الریاحین» یافعی است، مطلبی است که در «فردوس المرشديه» بیان شده است آنجا که آورده: «این کتاب [روض الریاحین] به وسیله جلال محمّد بن عبادی و با نام «تحفة المرشدين من حكايات الصالحين» به فارسی ترجمه شده و نسخه‌ای نیز از آن با تاریخ کتابت ۱۱ محرم ۸۳۸ هجری قمری به شماره ۱۷۰۲ در کتابخانه ایاصوفیه موجود است.» (محمودبن عثمان ۱۳۵۸: مقدّمه: پانزده و شانزده)

در کشف الطنون هم از این کتاب نام برده شده است. در آن جا به این کتاب علاوه بر نام «روض الریاحین فی حكايات الصالحين» نام «نزهة العیون النواظر و تحفة القلوب و الخواطر» هم داده شده است. دیگر این که کتاب مذکور به وسیله مولی مصطفی بن شعبان متخلّص به سروری و متوفی به سال ۹۶۹ هـ.ق به ترکی نیز ترجمه شده است. (حاجی خلیفه بی تا: ۹۱۸-۹۱۹)

درباره جلال محمّد عبادی کازرونی و ترجمه اش «تحفة المرشدين من حكايات الصالحين»

چنانکه گذشت مؤلف و مترجم کتاب «تحفة المرشدين من حكايات الصالحين» — که خود ترجمه روض الریاحین تألیف شیخ عقیف الدین عبدالله یافعی است — جلال[الدین] محمّد بن

العبادی کازرونی است. در هر دو نسخه کهنی (پنجاب و ایاصوفیا) که از این ترجمه در اختیار نگارنده قرار دارد، نام مؤلف «جلال محمد بن العبادی کازرونی» ثبت شده است. در فهرست کتابخانه ایاصوفیا، در ضمن معرفی نسخه آنجا، نام مؤلف «جلال الدین محمد» آمده است. در حالیکه در خود نسخه «جلال محمد» است. (عارف نوشاهی ۱۳۸۲: ۹۸) به هر حال چون در این دوره شاهد تلخیصهایی از این دست در ذکر لقب و اسم هستیم به نظر می‌رسد که نام او «محمد» و لقبش «جلال الدین» بوده است. (منزوی ۱۳۴۸ ج ۱: ۴۶۵)

جلال الدین در مقدمه «تحفة المرشدين» در هر دو نسخه، خود را پیرو طریقه مرشدیه معرفی می‌کند که از پدر و جد، خدمتکار بقعه مرشدیه در کازرون بودند چنانکه می‌گوید: «و این بنده کمترین - که کمترین بنده از آن آستانه رفیع است و خدمتکاری خدمتکاران بقعه علیه مرشدیه - عمرها الله تعالی و رضی عن بانیهما - ابا عن جد موروث و مکتسب دارد و من المهد الی العهد به مراسم و لوازم، حسب المقذور قیام نموده و جهد المقل به تقدیم رسانیده و پرورده نعمت و برآورده تربیت خدام حضرت مقدسه است. (عبادی کازرونی نسخه پنجاب مقدمه: ۷)

جلال محمد عبادی کازرونی در مقدمه کتاب بیان می‌دارد که از او درخواست شده تا کتاب روض الریاحین فی حکایات الصالحین را که عبدالله بن اسعد الیافعی الیمنی، تألیف کرده و شامل پانصد حکایت از حالات صالحین و صالحات کبار اخیر است به فارسی ترجمه کند؛ که البته مشخص نشده که درخواست کنندگان چه کسانی بودند. عبادی در ادامه یادآور می‌شود که «طلباً لمرضاة الله تعالی و طمعاً فی دعائهم و تبرکاً بذكر الصالحین و تیمناً بنشر سیر العارفين امثال نموده.

به توفیق خدا گل دسته ای چند همین خوش منظر و خوش بوی و رنگین
چنان کز گل گلاب آرد گلابی بیرون آوردم از روض الریاحین
که هر صاحب‌بدلی کان را ببوید شود جان و روانش عنبر آگین
(همان: ۷)

سپس حکایت اختیار کرد و به ترجمه ترکیب مؤلف - جزاه الله تعالی احسن الجزاء - تبرک جسته، از ایراد استعاره و مجاز - که هر آینه از خودنمایی و فضل فروشی خالی نماند - احتزار نمود.

به عون خالق و تائید بخت و سایه فضل هر آنچه کلک تکلف بدان رسد نکنم

به حل و عقد سخن خود به رهنمایی عقل هر آنچه دست تصرف بدان رسد نکنم
(همان: ۷)

و بعضی اشعار که جزالت ترکیب و لطافت معنی آن مقتضی ایراد بود، آورد تا اگر کسی از
اهل علم در این کتاب نظر کند او را هم نصیبي باشد» (همان: ۷)

جلال محمد کازرونی این ترجمه را «تحفة المرشدين من حکایات الصالحين» نام نهاد. وی
بعد از ترجمه سیصد حکایت از پانصد حکایت متن عربی، ذیلی به کتاب ضمیمه کرده است،
شامل چند حکایت از کرامات شیخ المرشد ابی اسحاق کازرونی و وصایا و دعاها و اعتقادات او.
عبادی در پایان مقدمه بیان می‌دارد که روض الریاحین را از شیخ الاسلام موفق الدین ابی الخیر
محمد بن احمد بن یوسف الزرنندی المدنی الانصاری در همان بقعه مرشدیه شنیده و شیخ زرنندی
آن را بدون واسطه از شیخ عقیف الدین عبدالله یافعی سماع کرده است. از زمان (تولد و حیات و
وفات) جلال محمد اطلاعی در دست نیست اما می‌توان حدود سال فوت او را بر اساس سال
وفات یافعی (۷۶۸ هـ ق) و سال کتابت نسخه پنجاب را (۸۱۸ هـ ق) تخمین زد. یعنی زمان
تألیف تحفة المرشدين و زمان حیات مؤلفش بین سالهای ۷۶۸ تا ۸۱۸ هـ ق می‌باشد.

محتوای کتاب:

جلال محمد «تحفة المرشدين» را با ستایش خداوند و نعمت پیامبر آغاز می‌کند با نثری زیبا،
فخیم توأم با آیات و احادیث و اشعار عربی و فارسی که سجع و جناس از ویژگی بارز آن است.
به دنبال آن از طایفه درویشان مرشدی «بحمدالله هر یک در مسالک ریاضات صاحب دردی از
هر علت پاک و در معارک مجاهدات مردانه مردی چُست و چالاک‌اند» (همان: ۳) صحبت به
میان می‌آید و در ادامه از بقعه علییه مرشدیه «...که به عنایت الله تعالی، مهبط انوار اله و محط
رجال الله است و مجمع اقطاب و اوتاد و مرجع فقرا و زهاد و مقر عبّاد و مفر عموم عباد
محل نزول و اردات و حصول مرادات و مقصد ارباب حاجات و مورد وصول سعادات است.»
(همان: ۴) سخن می‌گوید. سپس جلال محمد سبب ترجمه کتاب و ارتباطش با بقعه مرشدیه را
بیان می‌کند و اینکه از پانصد حکایت متن عربی روض الریاحین فقط سیصد حکایت به دلخواه
اختیار کرده است. در پایان مقدمه نیز یادآور می‌شود که روض الریاحین را از شیخ الاسلام موفق
الدین ابن الخیر محمد بن یوسف الزرنندی المدنی الانصاری در همان بقعه شنیده و شیخ زرنندی

آن را بدون واسطه از شیخ عقیف الدین عبد الله یافعی مؤلف روض الریاحین سماع کرده است. جلال محمد بعد از این مقدمه که ارزش ادبی بسیاری نیز دارد به ترجمه روض الریاحین مبادرت ورزیده است. در این کتاب یافعی قبل از ذکر حکایات صالحین، لزوم خواندن و اطلاع از این حکایات را از زبان مشایخ مختلف از جمله: جنید، (م: ۲۹۷) ابی سلیمان دارانی، (م: ۲۱۵) یحیی بن معاذ رازی، (م: ۲۵۸) شاه شجاع کرمانی (م: بعد از ۲۷۰) و ابی تراب نخشی (م: ۲۴۵) بیان می کند. سپس بعضی از فضایل اولیا و صلحا و فقرا و مساکین را که در قرآن و احادیث آمده، بیان می دارد. وی ابتدا ده آیه را ذکر می کند، بعد هر کدام از آیه ها را جداگانه ترجمه و تفسیر می نماید که به گفته خود مؤلف (عبدالله یافعی) تفسیرها از کتاب تبیان است. (همان: ۸-۹)

جلال محمد بدنبال این ده آیه، به بیان ده حدیث به همراه ذکر نام گوینده حدیث و راوی آن و ترجمه فارسی حدیث می پردازد و در پایان مآخذ احادیث را نیز ذکر می کند. وی در خاتمه فصلی مشبع در اثبات کرامات اولیا آورده است و بعد از آن حکایات بیان می - شود. با مطالعه فحوای کتاب چنین استنباط می شود که جلال محمد کازرونی طبع شعر نیز داشته است، چون بعضی از اشعار او در نسخه مورد بحث تحت عنوان «لمؤلفه» آمده است. شایان ذکر است که او اشعاری در ترجمه ابیات عربی روض الریاحین آورده که سروده خود اوست. اینک نمونه ای از اشعار او:

تو قناعت کن و توانگری
زبان که بسیار جوی درویش است
آب و نان جو و نمک کافی است
هر که او رستگاری اندیش است
(نسخه لاهور، حکایت ۸۲)

که ترجمه این دو بیت عربی است:

إقْتَنِعْ بِالْقَلِيلِ تَحْيِي غَنِيَا
إِنَّ خُبْزَ الشَّعِيرِ وَالْمَاءَ وَالْمَلْحَ
نومید مشو که جرم بسیار تر است
باشد که چو حق رحمت خود بخش کند
إِنَّ مَنْ يَطْلُبُ الْكَثِيرَ فَقِيرَ
لِمَنْ يَطْلُبُ السَّنْجَاهَ كَثِيرَ
یا کار گنهکار دشخوارتر است
بیشش دهد آن را که گنهکارتر است
(همان، حکایت ۳۰۰)

که ترجمه این دو بیت است.

یا نفس لا تقنطی من زلّه عظمت
ان الكبائر فی الغفران كاللحم

لعلّ رحمه ربّي حين يقسمها تأتي على حسب العصيان في القسم
(همان، حکایت ۳۰۰)

کتاب تحفة المرشدين به این موضوع مهم نیز اشاره دارد که در بقعه مرشدیه کازرون تا اوایل قرن ششم هجری قمری پیروان طریقت مرشدیه حکایات احوال و کرامات مشایخ خود را به زبان عربی می‌نوشتند و در قرن هشتم هجری قمری زبان فارسی جایگزین زبان عربی گردید.

ذیل تحفة المرشدين من حكايات الصالحين

جلال محمد کازرونی در پایان تحفة المرشدين، ذیلی در احوال، حکایات، وصایا و دعا‌های ابواسحاق کازرونی نوشته است که اولین مأخذ مستقلی است که درباره شیخ ابواسحاق نوشته شده است. جلال محمد در ذیل کتاب دو منبع خود را ذکر کرده است یکی «تذکره مشایخ» تألیف ابوشجاع مقاریزی شیرازی (متوفی ۵۰۹ ه. ق.) و دیگری «سیرت مرشدیه» تألیف ابی بکر ابوالقاسم عبدالکریم (متوفی ۵۰۲ ه. ق.) که هر دو عربی بوده است (همان: ۲۴۴-۲۴۳) و از هیچکدام از این دو کتاب امروز نسخه‌ای باقی نمانده است.

منبع اطلاعاتی ما درباره ابوشجاع مقاریزی و اثر ارزشمندش تذکره مشایخ، نوشته‌های محمودبن عثمان در فردوس المرشدیه است؛ آنجا که می‌نویسد: شیخ ابو شجاع محمد بن سعدان المقاریزی عالم و فاضل و کامل بود و قریب پنجاه سال قطب و صاحب تصانیف بود. کتابی ساخته است و ذکر جمله مشایخ در آن کتاب یاد کرده است که هریک چه مقامی داشته‌اند. (فردوس المرشدیه: ۳۱ و نیز انوار المرشدیه: ۴۹۷) همچنین فردوس المرشدیه اطلاعاتی راجع به منبع دوّم جلال محمد یعنی سیرت مرشدیه به دست می‌دهد (فردوس المرشدیه: یک تا سه) اما مأخذی که به طور اجمالی از این شخصیت عرفانی نام برده‌اند بسیار است. به‌عنوان مثال در فارسنامه ابن بلخی از شیخ و خانقاه او صحبت به میان می‌آید آنجا که می‌گوید: (... اما خانگاهی محتشم است که همچون حرمی است از آن شیخ ابواسحاق شیرازی رحمه الله و (...)) (ابن بلخی ۱۳۶۳: ۱۴۶)

همچنین عبدالحسین زرّین کوب درباره وی آورده است: «ابراهیم بن شهریار نام داشت و

بعدها غالباً به نام شیخ مرشد خوانده می‌شد. ابو اسحاق در نیمهٔ رمضان سال ۳۵۲ [هـ.ق] در نور کازرون به دنیا آمد و با آنکه جدّ وی و پدرانش زرتشتی بودند پدر و مادر وی هر دو مسلمان بودند و شیخ در اسلام پرورش یافت. «زرّین کوب (۱۳۷۶: ۲۱۷) انتساب شیخ در تصوّف به شیخ ابوعلی حسین بن محمّد الفیروز آبادی الاکار بوده و به صحبت بسیاری از اهل حدیث رسیده بود در کازرون و شیراز و بصره و مکه و مدینه و از همه روایت حدیث و آثار داشت. (جامی ۲۶۰: ۱۳۷۰) شیخ در هشتم ذی القعدة ۴۲۶ در پایان یک بیماری چهار ماهه وفات یافت. (زرّین کوب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸) تربت شیخ را «تربت اکبر» می‌گویند، از آن که هر چه از حضرت وی طلبند حق - تعالی - به فضل خود آن مقصود روا گرداند. (عطّار ۱۳۸۶: ۶۶۳)

ویژگیهای سبکی و دستوری

- ۱- استناد به آیات و احادیث و سخنان مشایخ: در سراسر کتاب، از آیات قرآنی، احادیث و روایات ائمه و سخنان صحابه و تابعین و علما و مشایخ صوفیه به فراوانی استفاده شده است.
- ۲- استفاده از اشعار عربی و فارسی: که شمار اشعار عربی متن بسیار زیاد و از اشعار فارسی خیلی بیشتر است که البته چنانکه گذشت اغلب اشعار فارسی متعلّق به مترجم - جلال محمّد عبادی کازرونی - است. گفتنی است که سراینده اشعار عربی در متن حاضر مشخص نشده است.
- ۳- به کار بردن کلمات و ترکیبات عربی: دارالملک، ابوالبشر، حسب المقذور، جهد المقل، قریب العهد، ربیع البیع، امام المتقین، امان الخائفین، شفیع المذنبین.
- ۴- نکته‌های بلاغی: این مورد بسیار اندک به کار رفته است و بیشتر در مقدمه دیده شده که به قلم مترجم است و فارغ از قید و بند ترجمه.
- الف - تشبیه: دارالملک ولایت، علم نبوت، سایهٔ حمایت و
حمد و ثنایی چون بخشش حضرت خدای کریم از حوصلهٔ حساب افزون. (نسخهٔ لاهور: ۱)
سپاس و ستایش چون بخشایش رحمان رحیم - عمت رحمته - از مرتبهٔ شمار بیرون (همان: ۱)
- ب - استعاره: دست ارادت، سر متابعت، دامن دولت.
- ج - جناس: قاصی و عاصی، صلاح و فلاح، سنن سنن.
- د - سجع: ۱- تا گمراهان را از ظلمات ضلالت و درکات جهالت به دین قویم و صراط مستقیم هدایت فرمود. (همان: ۲)

- ۲- ملازمان سر روضه مطهره و عزیزان و گوشه نشینان آن بقعه مشرفه. (همان: ۳)
- ۳- ارباب مقامات عالیات و اصحاب حالات غالبات به دامن دولت ایشان میآویزند. (همان: ۳)
- ه- تضاد: دور و نزدیک، لیل و نهار، دانی و قاصی، مطیع و عاصی.
- و- استفاده از ضرب المثل: کز هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است. (همان: ۶)
- گل بود و به سبزه نیز آراسته شد. (همان: ۸)
- ۵- ویژگیهای دستوری
- الف- حذف فعل به قرینه لفظی
- مراد به کنجشک قصه گوی است و به کلنگ شیخ ابوسلیمان. (همان: ۱۰)
- چنان چه حرارت را به چیزهای سرد مداوت کنند و برودت را به چیزهای گرم. (حکایت ۳۶)
- ب- حذف فعل به قرینه معنوی (حکایت ۲۴)
- حال آنکه ایشان اطبا قلوب و دلیل محبت به محبوب.
- ج- حذف شناسه به قرینه لفظی
- کنیزک را رها کردم چنانکه او را اختیار کرد(م). (حکایت ۴۲)
- د- کاربرد فعل مضارع اخباری به جای ماضی استمراری
- در این حالت که ما با هم سخن می‌گوییم صاحب کنیزک رسید. (حکایت ۱۵۶)
- در این حال که ما با هم حکایت میکنیم سید او در آمد. (حکایت ۲۴۳)
- ه- استعمال فعل شد به معنی رفت
- به مجلس فقرایی شد. (حکایت ۸۴)
- و- تقدیم فعل بر مفعول
- ای خضر لقمه‌ای ده او را. (حکایت ۱۱۰)
- ز- تقدیم فعل بر سایر ارکان جمله
- بازگشتم به نمازگاه خود با چشم گریان. (حکایت ۲۵)
- هلاک میشوم به سبب ضعف. (حکایت ۱۱۶)
- ح- تقدیم متمم
- به دین تو وایمان به کتاب تو ما را توفیق دادی. (حکایت ۸۸)
- به قرب خود انس بخشید ترا حق. (حکایت ۱۸۱)
- ط- استفاده از دو حرف اضافه پشت سرهم برای یک متمم یا کاربرد «از برای» به جای «برای»

- گفت: از برای من دعا به خدا کن. (حکایت ۶۲)
- از برای آنکه تصدیق صادق کند صادق است. (حکایت ۲۰۲)
- ی- کاربرد «را» به معنی حرف اضافه «به»، «از»
- در شناختن او مرا متحیر بماندم / من صاحب کنیزک را گفتم. (حکایت ۵۸)
- ک- تقدیم مسند و فعل بر نهاد جمله
- دراز شد اندوه من و حقیر شد دنیا بر چشم من. (حکایت ۹۴)
- ل- کاربرد «ماضی استمراری» به جای «ماضی ساده»
- زن وی بیامد و خبر او می پرسید. (حکایت ۱۶۴)
- م- کاربرد «او» برای غیر انسان
- رفتیم بر رودخانه، که بر هر دو کنار او درختان میوه دار بودند از هر لونی. (حکایت ۲۳۶)
- ن- کاربرد حرف اضافه «باز» به جای «به»
- باز خود آمد. (حکایت ۱۲)
- س- کاربرد حرف اضافه «از» به معنی «بر»
- دیدم که از دست راست من نشسته بود و (حکایت ۳۲)
- ع- تطابق صفت و موصوف از بابت مفرد و جمع بودن
- مقامات عالیات، حالات غالبات، صلوات فاصلات، تسلیمات کاملات.
- ف- به کاربردن جمعهای مکسر عربی: زوار، مسالک، طوایف، زهاد عبّاد و ...

ویژگیهای نسخ مورد استفاده:

تاکنون دو نسخه خطی از تحفه المرشدین با مشخصات زیر شناسایی شده است:

۱. نسخه «پنجاب» که به دلیل قدمت بیشتر، می تواند در کار تصحیح به عنوان نسخه اساس مورد استفاده قرار گیرد و مشخصات آن عبارت است از: لاهور، کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، شماره pc-iv-3A/441، به قلم ابوالثنا محمود بن رجب بن عمر الحافظ المعلم، مورخ ۲۵ رجب ۸۱۸ ق، ۲۵۷ برگ. این نسخه با دو قلم استنساخ شده است از برگ ۱ تا ۶۴ خط آن پخته و خوش است و متن به خط نسخ و آیات و احادیث و عناوین به خط ثلث زیبای معرب کتابت شده است. از برگ ۶۵ تا ۲۵۷ (آخر کتاب) خط آن با خط برگهای ماقبل فرق می کند. گویا بدنه اصلی نسخه تا برگ ۶۴ بوده و برگهای بعدی برای تکمیل نسخه

کتابت شده است یا همان کاتب اصلی، اوراق ما بعد را شتابزده نوشته است.

۲. نسخه «ایاصوفیا» که می‌تواند به عنوان نسخه بدل مورد استفاده قرار گیرد و مشخصات آن عبارت‌اند از: استانبول، کتابخانه ایاصوفیا، شماره ۱۷۰۲، مورخ ۲۱ محرم، ۸۳۸ ق، بدون نام کاتب، ۲۳۸ برگ به خط نسخ پخته، کاتب گاهی «د» را «ذ» نوشته است. نسخه بازخوانی و مقابله شده و برخی اضافات و تصحیحات در حاشیه دارد. در پشت برگ اول نسخه دو یادداشت قدیم و سه مهر دارد که یکی از آن یادداشتها در وصف و معرفی کتاب است و دیگری درباره وقف نسخه است؛ بدین عبارت: «قد وقف هذه النسخة الجليلة سلطاننا الاعظم و الخاقان المعظم مالك البرين و البحرين خادم الحرمين الشريفين السلطان بن السلطان الغازي محمود خان خلد الله ملكه الامجد. حرره الفقير احمد شيخ زاده المقبس باوقاف الحرمين الشريفين غفرلها» و سپس مهر او «یا رب ز تو توفیق تمنّا کند احمد» ثبت شده است. زمان سلطان محمود خان عثمانی اول ۱۱۶۸-۱۱۴۳ ق، است.

بعضی از مختصات مهم رسم الخطی در نسخه‌ها

- ۱- پ و چ فارسی در هر دو نسخه به صورت ب و ج نوشته شده است.
- ۲- گ فارسی در هر دو نسخه به صورت ک نوشته شده است.
- ۳- که و چه در موقع اتصال اغلب به صورت ک و ج نوشته می‌شود.
مثال: آنک، آنج، جنانج
- ۴- نوشتن ت فارسی به صورت ه در هر نسخه در بعضی موارد.
- ۵- جدا نوشتن نون نفی در افعال در هر دو نسخه در بعضی موارد مثال: نه ببیند
- ۶- دال فارسی به صورت ذال نوشته شده است فقط در نسخه بدل.
- ۷- واژه‌های «در این»، «از ایشان» و «در او» به صورت «درین»، «ازیشان» و «درو» در هر دو نسخه.
- ۸- حذف همزه «است» به جز در مواردی که جزیی از ماضی نقلی است در هر دو نسخه.
- ۹- استعمال واژه «تواست یا توست» به صورت تُست در هر دو نسخه.
- ۱۰- نوشتن واژه «قرائت» به صورت «قرأه».
- ۱۱- استعمال «ء» به جای «ای» در کلمات مختوم به «ه» در هر دو نسخه.
- ۱۲- نوشتن «تعالی» به شکل «تعال» در نسخه بدل.

- ۱۳- متصل نوشتن «ب» به اسم در هر دو نسخه در بعضی موارد.
- ۱۴- جداشدن «ب» از فعل در هر دو نسخه در بعضی موارد.
- ۱۵- پیوسته نوشتن می استمراری فعل در هر دو نسخه در بعضی موارد.
- ۱۶- استعمال «ن» منفی ساز فعل به صورت جدا: نه روم
- ۱۷- کلمات مختوم به الف ممدود در حالت اضافه و وصف گاهی با همزه و گاهی بدون همزه نوشته می‌شود.
- ۱۸- های غیر ملفوظ در اتصال به «های جمع» در هر دو نسخه حذف شده است.
- جامها ← جامه‌ها ← خُلها ← خُلها
- ۱۹- حذف تشدید در هر دو نسخه گاهی موارد.

نتیجه‌گیری

با جستاری در نسخه خطی منتشر نشده «تحفة المرشدین من حکایات الصالحین» به جایگاه ویژه‌ای که آیات قرآن و احادیث در متون عرفانی به عنوان مبانی نظری عرفان و تصوّف از حکایت مشایخ و بزرگان به مبانی عملی عرفان و تصوّف می‌رسیم. از اشعار و کلمات و ترکیبات عربی موجود در متن به اهمیت این زبان در متون عرفانی و از جمله این متن می‌توان پی برد. این موضوع که بیشترین حجم کتاب شامل حکایات است نیز مبین کرامات اولیاء الله، دعا و تضرّع، تواضع و ترک و رد کردن دنیا، صدقه و احسان، احوالات و مقامات مثل خوف و رجا، محبّت، توکل و ... می‌باشد.

تحفة المرشدین به این موضوع مهم اشاره دارد که در بقعة مرشدیة کازرون تا اوایل قرن ششم هجری قمری پیروان طریقت مرشدیة، حکایات، احوال و کرامات مشایخ خود را به زبان عربی می‌نوشتند و در قرن هشتم هجری قمری زبان فارسی جایگزین زبان عربی گردید. با مطالعه فحوای کتاب همچنین استنباط می‌شود که جلال محمّد کازرونی طبع شعر نیز داشته است چون بعضی از اشعار او در کتاب تحت عنوان «لمؤلفه» آمده است. گفتنی که او در ترجمه ابیات عربی روض‌الریاحین، اشعاری نیز آورده که سروده خود اوست.

با تفحص در ذیل کتاب، از وجود دو اثر عربی که مأخذ جلال الدین محمّد عبادی کازرونی بوده نیز آگاه می‌شویم یکی از آنها «تذکرة مشایخ» تألیف ابوشجاع مقاریضی شیرازی (متوفی

۵۰۹ هـ.ق) و دیگری «سیرت مرشدیه» تألیف ابی بکر ابوالقاسم عبدالکریم (متوفی ۵۰۲ ق) بوده که از میان رفته‌اند و نسخه‌ای از آنها وجود ندارد. همچنین قابل توجه است که نکته‌های بلاغی در متن این اثر مهم، اندک به کار رفته و بیشتر در مقدمه دیده می‌شود.

منابع

- ابن بلخی. ۱۳۷۴. فارسنامه، بر اساس ش مصحح لسترنج و نیکلس. توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- جامی، عبدالرحمان. ۱۳۷۰. نفحات الانس. به تصحیح محمود عابدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
- جلابی هجویری، علی بن عثمان. ۱۳۳۶. کشف المحجوب. از روی تصحیح والتین. ژوکوفسکی. به اهتمام محمد عباسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسینی دشتی، سید مصطفی. ۱۳۸۵. معارف و معاریف. قم: دایره المعارف جامع اسلامی.
- خوانساری اصفهانی، میرسید محمدباقر. ۱۳۶۰. روضات الجنات. ج ۶. تهران: چاپ اسلامیه.
- دبیر سیاقی، محمد. ۱۳۴۵. مثنی از خروار. تهران: انتشارات علمی.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه.
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۵۸. جستجو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۸) موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه.
- قشیری، ابوالقاسم. ۱۳۸۷. رساله قشیریّه. ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. چاپ اول. تهران: انتشارات زوار.
- عطّار، فریدالدین محمد. ۱۳۸۶. تذکرة الاولیا. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات زوار.
- محمد بن منور. ۱۳۴۸. اسرار التوحید. چاپ دکتر ذبیح ا. صفا. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- محمود بن عثمان. ۱۳۳۳. فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- مصطفی عبدالله مشهور به حاجی خلیفه. بی تا. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون با مقدمه علامه الحجة آية الله العظمی شهاب الدین النجفی المرعشی. ج اول. بیروت: دارالحیا التراث العربی.
- منزوی، احمد. ۱۳۴۸. فهرست نسخه‌های خطی فارسی. ج ۱. تهران. مقالات
- نوشاهی، عارف و معین نظامی. ۱۳۸۲. تصحیح ذیل کتاب تحفة المرشدين من حكايات الصالحين، مجله معارف، دوره ۲۰، شماره ۲.
- نسخ خطی منتشر نشده
- تصویر نسخه خطی «تحفة المرشد من حكايات الصالحين (چاپ لاهور) متعلق به سال ۸۱۸ هـ.ق، آرشیو شخصی نگارندگان.
- تصویر نسخه خطی «تحفة المرشد من حكايات الصالحين (چاپ پنجاب) متعلق به سال ۸۲۸ هـ.ق، آرشیو شخصی نگارندگان.